



خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان

*سمیه تفقدی زارع

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۷

چکیده

ارزش پول، همواره در حال کاهش و گسترش نقدینگی در جامعه، سبب کاهش قدرت خرید شده است، از اینرو بر اثر تورم از ارزش حقیقی پول می‌کاهد؛ به گونه‌ای که اگر شخص، مدت مدیدی عین پول خویش را در گوشه‌ای نگه دارد، فقط از نظر شکلی، پول خود را نگه داشته؛ ولی از نظر اقتصادی از ارزش تهی شده است. در سال‌های اخیر که از یک طرف اکثر قرض‌ها و معاملات مدت دار اشخاص حقیقی و حقوقی چون بانک‌ها با پول رایج است و از طرف دیگر اقتصاد دچار تورم‌های بالاست، طلبکاران در اثر تأخیر تأدیه مواجه با خسارت کاهش ارزش بدهی می‌شوند. برخی اندیشمندان برای حل مشکل تأخیر تأدیه، به عنوان خسارت تمسک می‌کنند و معتقدند طلبکار حق دارد خسارت‌های وارد از ناحیه تأخیر تأدیه به ویژه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را از تأخیر کننده دریکاهش کند؛ مخصوصاً اگر ضمن قرارداد به چنین حقی توافق کنند. هدف مقاله حاضر بررسی خسارات ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق دو کشور ایران و انگلستان بوده و در پایان نیز مشترکات و تفاوت‌های موجود در حقوق هر دو کشور ارائه خواهد شد. در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری استفاده شده است.

واژگان کلیدی: خسارت، ارزش پول، تأخیر تأدیه، گسترش نقدینگی.

*عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه

از ویژگی‌های بارز اقتصاد قرن اخیر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، وجود نرخ تورم‌های دورقمی در مقاطع زمانی بلند مدت است و این، موجب پایین آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی پیچیده‌ای در معاملات مدت دار و بدهی‌های معوقه می‌شود. وجود مشکلاتی از این قبیل، باعث شده تا حقوقدانان دنیا، به ویژه حقوقدانان مسلمان در پی یکپارچه‌سازی راه حل منطقی و مناسب باشند و این، موجب پیدا شدن نظریه‌های گوناگون در این عرصه شده است. از نظر حقوقی، راهکار شورای نگهبان مبنی بر امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در قالب شرط ضمن عقد، با مقرره مذکور در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قابل جمع است؛ یعنی اگر طرفین، شرطی را ضمن عقد، به منظور الزام طرف به رعایت دقیق سررسید بکنند، آن شرط نافذ است و شرایط ذکر شده در ماده ۵۲۲ مزبور لازم‌الرعایه نیست و اگر شرط ضمن عقد به ترکیبی که گفته شد موجود نباشد،^۱ خسارت تأخیر تأدیه را فقط می‌توان در قالب ماده یاد شده مطالبه کرد؛ یعنی با فرض تمکن مدیون از ادای دین در سررسید و مطالبه دائن می‌توان در قالب ماده یاد شده مطالبه کرد؛ همچنین با این فرض می‌توان خسارت تأخیر را در کاهش شدید ارزش پول، بر اساس شاخص قیمت سالانه که بانک مرکزی آن را اعلام می‌کند، مطالبه کرد. از نظر فقهی نیز راهکار شورای نگهبان از سوی بیشتر فقیهان پذیرفته نشده و گویا در نظر آنان، همین که مبلغ اضافی شرط می‌شود، خود به خود در قبال اعطای مهلت قرار می‌گیرد و نمی‌توان «وجه التزام» را از پرداخت مبلغ در ازای مهلت تفکیک کرد. لذا برخی

۱. ستاری، ابراهیم، مسئولیت ناشی از تعهدات پولی با تأکید بر کاهش ارزش پول از دیدگاه حقوق ایران و اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم سیاسی، ۱۳۹۲، ص ۳۷.
۲. شریفی، هاشم، بررسی تطبیقی ایفاء تعهدات پولی در حقوق ایران و انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). دانشکده حقوق، ۱۳۸۹، ص ۶۷.

۳..... خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....

از حقوقدانان به علت وجود تورم در جامعه و پایین آمدن ارزش پول در تحلیل وحدت موضوع تعهد و تسلیم بین تعهدات پولی و غیر آن تفاوت گذارده‌اند. به نظر آنها آنچه که مربوط به تورم و در نتیجه کاهش قدرت اقتصادی پول می‌شود در خارج از روابط قراردادی قابل طرح بوده و در شمار ضمان‌های قهری می‌آید که در قالب خسارت تاخیر تأدیه قابل مطالبه است. سوال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران در مقایسه با حقوق انگلستان چگونه قابل ارزیابی است؟ فرضیه احتمالی تحقیق نیز بدین شکل قابل طرح است که خسارت تاخیر تأدیه ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران صرفاً در موارد قراردادی قابل مطالبه است اما در حقوق انگلستان هم در موارد قراردادی و عم موارد قهری پرداخت می‌گردد.

۲- تعریف و ماهیت پول

۲-۱- تعریف پول

در تعریف ابتدایی آن وسیله، قطعه، شی، یا چیزیست که انسان‌ها برای تبادل خواسته‌ها، خدمات، کالاهای نیازها از آن استفاده می‌کنند. به صورت کلی هر چیزی می‌تواند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد. در زمان‌های قدیم کالاها معمولاً به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در بسیاری کشورهای جهان طلا و نقره به عنوان پول رایج بودند. در حال حاضر تقریباً تمام پول مورد استفاده در تمامی کشورهای دنیا اصطلاحاً پول فیات است که به پولی اطلاق می‌شود که دارای ارزش ذاتی نبوده و کنترل ارزش آن در اختیار حکومت است.^۱ پول ظاهراً کلمه یونانی است. در بیشتر کشورهای دنیا پول در گردش دارای دو بخش پول مسکوک و پول بانکی است که پول بانکی اکثریت مقدار پول در گردش را تشکیل می‌دهد. همچنین در مفهوم

۱. خوئینی، غفور، تعدیل قضایی قرارداد در اثر کاهش ارزش پول. فصلنامه حقوق خصوصی. دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۲، ص ۳۱.

۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

اقتصادی پول واحدی برای اندازه‌گیری تولید اقتصادی و نیز واحدی برای ذخیره ارزش اقتصادی می‌باشد.^۱

۲-۲- ماهیت پول

شناخت و تحلیل دقیق موضوع یا متعلقات موضوع تا حدی که مؤثر در احکام فقهی است بایسته یک پژوهش و نظریه پردازی حقیقت‌گرا می‌باشد. از این رو لازم است ماهیت پول و به ویژه وضعیت پول‌های فعلی در دست مردم روشن گردد. لازم است در ابتدای بحث دو نکته را یادآور شویم.

۲-۲-۱- مال و کالا بودن انواع پول

با توجه به تعریف و ویژگی‌های مال، از نظر عرف، هر نوع پول از مصادیق مسلم مال به شمار می‌آید. نکته دیگر اینکه ارزش پول‌های امروزی، عینی (فیزیکی) نیست. پول‌های رایج، ارزش اعتباری (برحسب قرارداد اجتماعی) دارند^۲ در نتیجه پول رایج فعلی یک مال اعتباری است. البته اعتباری بودن دلیل بر پوچ و بیهوده بودن نیست؛ بلکه بر عکس بسیاری از امور اعتباری از اساسی‌ترین ارکان جامعه است که ریشه در فطرت انسان و واقعیت‌های جامعه و نیاز جمعی دارد^۳ و حتی حیات جمعی انسان در سایه اعتبار سازی او شکل گرفته و بدون این اعتبار سازی، بسیاری از روابط اجتماعی اقتصادی بدون منشأ و پشتوانه خواهد بود.^۴

به لحاظ اقتصادی، پول اعتبار یک کالای حقیقی نیست، چون رافع نیاز مصرفی نیست. اما از لحاظ فقهی و حقوقی، پول در حکم یک کالا است و تمام احکام کالا از

۱. امینی، علیرضا، موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول. مجله جستارهای اقتصاد ایران دوره ۴، شماره ۸، ۱۳۸۶، ص ۲۲.

۲. عبداللہی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۳

۳. عبداللہی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پیشین، ص ۱۵

۴. نظری، حسن آقا، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی (امکان نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی و روش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۸۵، صص ۴۷-۴۸.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان..... ۵

قبیل تمکیک و تملک، نقل و انتقال ذمه یا ضمان و .. شامل آن می‌شود. دلیل این امر، مالیت داشتن انواع پول مانند مالیت تمام کالاهای خصوصی است.

۲-۲-۲- نظریه‌های مالیت و ارزش ماهیت پول

سوال مهم این است که نکته محوری در ماهیت و گوهر اصلی پول چیست؟ قدرت خرید پول یا ارزش اسمی آن؟ آنچه در معاملات و نقل و انتقالات و ضمان پول ملاک می‌باشد، قدرت خرید پول است یا ارزش اسمی آن؟ این قسمت از مباحث جزء نقاط کلیدی و باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد و لازم است نظر عرف با توجه به تغییر و تحولات موضوع «پول» با روش علمی به دست آورده شود. البته باید توجه نمود که اگر در تعیین مفاهیم یا تشخیص مصادیق احکام شرعی، نظر عرف ملاک باشد، یعنی رفتار و قضاوت عرف متشرعه دخالت داشته و حجت باشد مراد عرف اهل نظر و دقت است، نه عرف اهل تسامح این مطالبی است که امام خمینی (ره) به خوبی آن را مطرح و تبیین نموده است^۱ این مسئله از این جهت اهمیت بیشتری دارد که داوری عرف و عقلا در یک زمان و مکان (مثلاً داوری عرف و عقلا در مورد قیمی یا مثلی بودن پول در زمان کاهش مستمر ارزش پول) از نظر عرف در سایر مکان‌ها و زمان‌ها به دست نمی‌آید؛ بلکه باید به دوره مربوط به خود آن مکان و زمان مراجعه نمود.

در بین اندیشه واران اسلامی دو نظریه اصلی را می‌توان از هم تفکیک کرد: الف) نظریه قدرت خرید؛ ب) نظریه ارزش اسمی.

الف) نظریه قدرت خرید

تعداد قابل اعتنایی از این اندیشه واران با تفاوت اندکی در تعبیرها به نظریه قدرت خرید باور داشته و به تبیین و اثبات آن پرداخته‌اند. نخستین آنها شهید آیت الله صدر است. وی در کتاب الاسلام يقود الحیاة درباره پول‌های کاغذی می‌گوید:

۱. موسوی خمینی (امام)، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸ ش، صص ۲۲۷-۲۲۹

۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی است اما مثل آن فقط همان کاغذ نیست؛ بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند؛ از اینرو، اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه که دریکاهش کرده است، پرداخت کند. مرتکب ربا نشده است.^۱

وی در ادامه مطلب می‌گوید: «قیمت حقیقی براساس طلا و ارز طلا اندازه‌گیری می‌شود^۲». از این کلام شهید صدر برمی‌آید که وی قیمت حقیقی یا قدرت خرید را جز و ویژگی اصلی و صفت حقیقی و ذاتی پول کاغذی می‌بیند؛ زیرا آن را در مثلث پول دخیل می‌داند و نیز حکم به عدم ارتکاب ربا در هنگام بازپرداخت سپرده به قیمت حقیقی قرینه دیگری است که وی قیمت حقیقی و به تعبیری «قدرت خرید» را جز و ویژگی اصلی و صفت ذاتی و حقیقی پول کاغذی کنونی می‌داند. آیت الله بجنوردی تمام حقیقت و هویت اسکناس را قدرت بر خرید می‌داند که به وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است.^۳ آیت الله شاهرودی نیز تمام هستی و اساس پول را ارزش و توان خرید می‌داند.^۴ یوسفی با رویکرد مالیت اعتباری و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس، پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌های عام است و پول تحریری شیای غیرفیزیکی است که خود فی نفسه ارزش مبادله‌های عام دارد.^۵

ب) نظریه ارزش اسمی

نویسندگان کتاب پول در اقتصاد اسلامی پس از آنکه مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانستند، احکام مال مثلی را بر آن بار کردند، آنگاه این پرسش را مطرح

۱. صدر، سید محمدباقر، الاسلام یقود الحیاه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷.

۲. همان.

۳. موسوی بجنوردی، سید محمد، پول و تورم، مجله رهنمون، شماره ۶، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰.

۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، احکام فقهی کاهش ارزش پول، فقه اهل‌بیت، شماره ۲، ۱۳۷۴، صص ۶۸-۶۶.

۵. یوسفی، احمد علی، پول جدید از نگاه اندیشمندان، فقه اهل بیت، ش ۱۶، ۱۳۷۷، صص ۶۱-۱۴.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۷

کردند که مقوم مثلث چیست؟ ارزش اسمی است یا قدرت خرید؟ آنان در پاسخ دو باور را مطرح کردند. گروهی که باور دارند مقوم مثلث «قدرت خرید» است؛ از این رو اگر قرض داده شود در صورت کاهش ارزش باید جبران شود و گروهی دیگر که باور دارند مقوم مثلث همان ارزش اسمی است و نه چیز دیگر و جبران لازم نیست. آنگاه آنان به تقویت دلایل گروه دوم در رد گروه اول پرداختند. از جمله اینکه قدرت خرید از عوارض و حالت‌ها است؛ بنابراین اگر فردی مقداری پول اعتباری قرض کند، عرف نمی‌گوید وی قدرت خرید قرض کرده است و دیگر اینکه اگر قدرت خرید پول، همان قیمت مبادله‌ای واقعی آن باشد؛ پس پول مال مثلی نیست بلکه یک کالای قیمی است. در حالی که هیچ یک از فقیهان پول را مال قیمی نمی‌داند.^۱

۲-۲-۳- نظریه قدرت خرید درباره ماهیت پول

بعد از آنکه نکات اصلی نظریه‌های ارزش اسمی و قدرت خرید درباره ماهیت پول تبیین شد، می‌توان اظهار داشت در مجموع، نظریه قدرت خرید در ماهیت پول به دلایل زیر ترجیح دارد:

نخست، آنچه در پول، مهم و اصل و عامل رغبت عرف به پول است، همان ارزش و قدرت خرید پول است و به دست آوردن این ذائقه عرف زحمت چندانی ندارد، چون با اندک مراجعه به عرف و دقت در سوال و جواب‌های روزمره آنان می‌توان به این نتیجه رسید که گوهر اصلی پول همان قدرت خرید است. به طور مثال، وقتی پدری به فرزندش یکصد هزار تومان پول می‌بخشد، دیگران از او می‌پرسند با این پول چه مقدار کالا می‌توانی خریداری نمایی یا چه چیز می‌توانی تهیه کنی و همین طور وقتی کسی پولی قرض می‌کند؛ چنانچه مراجعه به عرف از طریق روش‌های آماری علوم اجتماعی که از اطمینان بیشتری برخوردار است، نیز این مطلب را تأیید می‌کند. تأیید دیگری بر این مطلب آن است که غرض اصلی از داشتن پول، توانایی بر خریدن

۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پول در اقتصاد اسلامی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت، ۱۳۷۴، صص ۷۶-۸۰.

۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

یا استفاده از امکانات اقتصادی (کالا و خدمات) است.

دوم، چنانچه در قبل اشاره شد، یکی از پژوهشگران درباره قدرت خرید پول می‌گوید: پول در عین حال که وسیله مبادله است، قدرت خرید نیز است، به طوری که دارندگان آن می‌توانند در زمان آن را به کار ببرند... بنابراین، نقش پول به منزله معرف قدرت خرید، بسیار وسیع است^۱ با وجود این چگونه می‌توان گفت قدرت خرید از عوارض و حالات پول است، نه از مقومات پول. به نظر نگارنده قدرت خرید پول، اصلی‌ترین مقوم پول است.

سوم چنانچه برخی از صاحب نظران تاکید نموده‌اند، در پول اعتباری محض، قدرت خرید حیثیت تقییدیه (موضوع و معیار) است و دخالت جدی در ماهیت پول دارد.^۲ چهارم اکثر نویسندگان، ماهیت پول‌های اعتباری را ارزش مبادله‌ای صرف (خالص) می‌دانند و این ارزش مبادله‌ای، مورد پذیرش عموم قرار گرفته است و این پذیرش و اقبال عمومی، ریشه در قدرت خرید پول دارد. بنابراین ارزش مبادله‌ای عام پول چیزی نیست جز قدرت خرید پول. در این نکته مهم، پول‌های اعتباری و پول‌های حقیقی (دینار و درهم) نتیجه می‌شود، چون طلا و نقره یک کالای با ارزش است که ذاتاً ارزش دارد و اگر عنوان پول هم روی آن نباشد باز قدرت خرید و امکان مبادله دارد، قدرت خرید در آنها از عوارض و حالات است و کم و زیاد می‌شود، ولی پول‌های اعتباری، صرفاً برای ایجاد توانایی بر انجام مبادلات گوناگون اقتصادی اعتبار شدند و قدرت خرید در آنان، از اول تا آخر، نقش اول را ایفا می‌کند.

البته دلیل فرق اساسی پول‌های محض و پول‌های حقیقی، تغییر ماهیت اسکناس در مرحله سوم تحول اسکناس یعنی مرحله خودداری بانک‌ها از تبدیل اسکناس به فلز گران بها می‌باشد؛ این امر سبب تغییر ماهیت اسکناس شده و اسکناس جدید، یک سند

۱. منتظر ظهور، محمود، اقتصاد (خرد و کلان)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۳،

صص ۴۴۰ و ۴۲۲

۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، احکام فقهی کاهش ارزش پول، فقه اهل بیت، پیشین، ص ۷۲.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۹

اعتباری با ارزش که تمام ارزشش در قدرت خرید است می‌باشد. پنجم، در اقتصاد اسلامی، پول ذخیره ارزش (به مفهوم کنیزی آن) است.^۱ از طرفی در تحلیل محتوایی وظیفه سوم پول «ذخیره ارزش» بیان کردیم ذخیره ارزش، یعنی نگهداشتن ارزش ارزش قبلی و نگهداشتن ارزش قبلی به معنای آن است که پول، مقدار ارزش را نیز نگه می‌دارد والا ارزش را نگهداری نکرده و ذخیره نکرده است. در توضیحات قبلی اشاره شد که ذخیره ارزش و مقدار ذخیره ارزش با هم تلازم دارند و این مطلب به خوبی از کلمات برخی اقتصاددانان به دست می‌آید و به نظر ما نکته ظریف این سخن، معنای عرفی کلمه «ذخیره» است که مورد غفلت قرار گرفته است و نتیجه این تلازم مذکور، آن است که نظریه قدرت خرید در ماهیت، پول، به طور قطع ترجیح دارد.

۳- بررسی ابعاد کاهش ارزش پول

در اقتصاد اسلامی، پول موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی است؛ از این رو شناخت ماهیت آن اهمیت ویژه‌ای دارد. در همین رابطه، موضوع مسئولیت حقوقی ناشی از تورم و کاهش ارزش پول، یکی از مسائل مستحدثه و نوظهوری است که پیامدهای فقهی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد. امروزه با پذیرش این اصل مسلم فقهی و حقوقی یعنی تأثیر عنصر زمان و مکان در اجتهاد، نمی‌توان ماهیت پول را مال مثلی یا قیمی قلمداد کرد؛ بلکه با تغییر شکل یکاهشن مبادلات اقتصادی، باید گفت که پول امروزی صرفاً یک برکه اعتبار بوده و از تعریف مثلی و قیمی، خروج موضوعی و تخصّصی داشته و در واقع نماینده قدرت خرید معینی می‌باشد. گاه دولت با اتخاذ بعضی از رویه‌های اقتصادی یا سیاسی موجب کاهش ارزش پول و در نتیجه تورم شده و به دلیل کاهش ارزش دارایی‌های مالی و قدرت

۱. میر مغزی، سید حسین، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷

۱۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

خرید، به گروه‌های مختلف جامعه خساراتی وارد می‌گردد. ضمانت مسببین و مباشرین کاهش ارزش پول و تورم، جزو موضوعاتی است که مورد تردید و اختلاف فقیهان و حقوقدانان قرار گرفته است. همانطور که بیان شد در حال حاضر جبران کاهش ارزش پول در چارچوب ماده ۵۲۲ قانون مدنی و شرایط این ماده قابل مطالبه است، که این شرایط جبران این خسارات را با محدودیت‌های جدی مواجه نموده است. به عنوان مثال در مواردی همچون جهل داین به دین، عدم شناسایی مدیون و یا مقبوض به عقد فاسد که وجهی برای مطالبه وجود ندارد، برای جبران کاهش ارزش پول چه راهکاری باید اندیشید. در پاسخ می‌توان گفت که در این موارد باید از ظاهر قانون دست کشید و مطالبه را لازم ندانست، چرا که در فرض ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی از ابتدا حکم تکلیفی پرداخت دین وجود ندارد. در واقع مدیون باید متمکن در پرداخت بوده و از سوی دیگر داین نیز دین خود را مطالبه کرده باشد. که در این صورت حکم تکلیفی ادای دین بر او لازم شده و مطالبه در اینجا ضروری است. همچنین در مواردی مثل مقبوض به عقد فاسد، مطالبه شرط نیست، چرا که در این امور از ابتدا حکم تکلیفی برای مدیون نسبت به رد وجود دارد. بنابراین حتی بدون وجود مطالبه باید قایل به جبران خسارت کاهش ارزش پول باشیم. بنابراین به نظر می‌رسد که با تفسیر از ماده ۵۲۲ ق.ا.د.م می‌توان راهکار مناسبی را جهت جبران خسارت کاهش ارزش پول فراهم آورد.

۳-۱- خسارت تاخیر تادیه وجه نقد

۳-۱-۱- در حقوق ایران

منظور از خسارت تاخیر تادیه وجه نقد زیانی است که در اثر تاخیر در پرداخت

۱. میرجلیلی، حسین، جبران کاهش ارزش پول؛ نظریه و کاربرد. جستارهای اقتصادی ایران. شماره ۴، ۱۳۸۴، ص ۳۱.

۲. سرخوش، جواد، ربای قرضی و معاوضی با بررسی نقش کاهش ارزش پول (از دیدگاه فقهی). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق(ع). دانشکده معارف اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۶۲.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۱۱

دین (وجه نقد) به طلبکار وارد می‌شود. در ماهیت این ضرر بین فقها اختلاف است. عهده‌ای آنرا عدم النفع و عده‌ای دیگر ناشی از کاهش ارزش پول می‌دانند. ماهیت خسارت تاخیر تادیه وجه نقد در قانون آئین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ عدم النفع بوده زیرا در مقایسه با میزان خسارت تاخیر تادیه وجه نقد که ۱۲ درصد در سال از سوی مقنن در ماده ۷۱۹ مقرر شده بود سقوط ارزش پول خیلی ناچیز بوده است و به اعتبار اینکه طبق نظر مشهور فقهای امامیه عدم النفع ضرر به حساب نمی‌آید.^۱ فقهای شورای نگهبان در اوایل انقلاب آن را ربا تلقی و خلاف شرع می‌دانستند ولی بعد از مدتها موضوع خسارت تاخیر تادیه (وجه نقد) در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بر مبنای کاهش ارزش پول به تناسب تغییر شاخص قیمت سالانه به تصویب رسید. فقها در صورت اشتراط نیز خسارت تاخیر تادیه (وجه نقد) را تجویز کرده‌اند و این امر در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ صراحتاً آمده است.

۳-۱-۲- در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان خسارت تاخیر تادیه در قالب بهره پرداخت می‌شود و بهره برای جبران خسارت ناشی از تاخیر تادیه است. به عبارت دیگر قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که اگر قرارداد به موقع اجرا میشد زیان‌دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت که همان عدم النفع است (رحیمی، ۱۳۷۲). البته بهره ناظر به حداقل خسارت است که در قالب خسارت عام قابل مطالبه است و مطالبه خسارت مازاد بر آن در قالب خسارت خاص باید اثبات شود. در حقوق انگلستان چنانچه اعتبارات تخصیصی از سوی بانک‌ها پس از انقضای موعد مقرر با تاخیر به ذینفع پرداخت شود مستلزم پرداخت خسارت تاخیر تادیه می‌باشد. در حقوق انگلستان برای اجتناب از کاهش ارزش پول شرط پرداخت به طلا نیز نافذ است. با این بیان که معادل آن به پول

۱. شریفی، هاشم، بررسی تطبیقی ایفاء تعهدات پولی در حقوق ایران و انگلیس. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). دانشکده حقوق، ۱۳۸۹، ص ۲۶.

۱۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

رایج پرداخته می‌شود. زیرا طلا ارزش ذاتی دارد و قدرت خرید آن با تورم دستخوش تغییر نمی‌شود.^۱

البته طبق ماده ۱۷ قانون احکام دادگاه‌ها مصوب ۱۸۳۸ و ماده ۳۵ قانون دادگاه عالی مصوب ۱۹۸۱ و ماده ۶۹ قانون دادگاه‌های بخش مصوب ۱۹۸۴ دادگاه‌ها به پرداخت بهره ساده در صورتی که خواسته وجه نقد باشد حکم صادر می‌کنند اعم از اینکه منشا طلب دین یا خسارت باشد برای مدتی که به نظر دادگاه مناسب باشد تا زمان وصول آن بهره ساده به نرخ ۸ درصد مورد حکم قرار می‌گیرد. البته ممکن است تا نرخ ۳۰ درصد هم حکم به پرداخت بهره بدهند به شرط اینکه با توجه به اوضاع و احوال حاکم، عادلانه و متعارف باشد بطور کلی دادگاه‌های بخش و عالی در تعیین نرخ بهره عادلانه و مدت بهره (اعم از زمان ایجاد سبب دعوی یا از تاریخ مطالبه وجه یا از هر زمانی که مناسب بدانند) اختیارات قانونی دارند و همچنین می‌توانند بخشی از دین یا خسارت را مشمول بهره قرار دهند.

۳-۲- عدم النفع

۳-۲-۱- در حقوق ایران

عدم النفع به معنای سودی است که پیش‌بینی می‌شد در آتیه به دست آید، اما به دلیل عدم اجرای تعهد (در مسئولیت قراردادی) یا عمل زیان بار (در مسئولیت مدنی) این فواید عاید نشده است و در عوض، زیان‌های مالی و حقیقی به وجود می‌آید که سبب زایل شدن اموال و حقوق مالی موجود می‌گردد.

عدم النفع به معنی اخص خسارت ناشی از محروم ماندن از نفعی است که در صورت اجرای قرارداد بوسیله متعهد برای طرف دیگر حاصل می‌شود و به معنی اعم کلمه محروم ماندن از منافع ناشی از شخص معین یا مال معین می‌باشد. در

۱. نوفرستی، محمد، بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴، ص ۳۱.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۱۳

تعهدات قراردادی هم چنانچه مدیون به موقع دین خود را پرداخت می‌کرد طلبکار آن را در جریان کسب و کار و تجارت قرار می‌داد و نفعی عایدش می‌شد و چون مدیون به موقع به تعهد خود عملکرد طلبکار از منافی که کسب می‌کرده محروم شده است که نوعی خسارت ناشی از عدم النفع (محروم ماندن از منافع) می‌باشد.^۱ عدم النفع به لحاظ متعلق آن، به دو قسم تقسیم می‌شود: عدم النفع محقق و عدم النفع محتمل.

الف - عدم النفع محقق

عدم النفع محقق، عبارت است از: فوت شدن منفعتی که هرگاه، فعل معین موجود نمی‌شد، محققاً آن منفعت به متضرر می‌رسید و فعل مزبور، سبب منحصر نرسیدن منفعت شده است. مثلاً، چنانچه کسی در خیابان در جلوی گاراژی جوی عمیقی بکند و مانع از خروج اتومبیل کرایه ای شود، این شخص مانع رسیدن منفعتی شده است که اتومبیل از کار کردن به دست می‌آورد. و همچنین هرگاه، کسی کارگری را بازداشت نماید و او را از کار روزانه باز دارد، مانع از رسیدن مزد یعنی منفعت محقق او، شده است.^۲

ب - عدم النفع محتمل

عدم النفع محتمل عبارت است از: فوت شدن منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی‌شد احتمال داشت که عاید طرف گردد. مثل اینکه، توزیع کننده روزنامه، روزنامه‌ای را که در آن اعلان مزایده ملکی درج شده است، به مشترک آن روزنامه نمی‌رساند و او در مزایده شرکت نمی‌کند. مشترک پس از اطلاع بر این امر علیه توزیع کننده، اقامه دعوی می‌نماید و خسارات وارده خود را از او می‌خواهد، بدین تقریب که هر گاه روزنامه را توزیع کننده به او می‌رسانید، او در مزایده‌ای که وزارت

۱. یوسفی، احمد، جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی. مجموعه: مقالات عمومی فقه و حقوق اقتصادی، ۱۳۹۵، ص ۵۷.

۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی جلد ۱، ناشر: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۵۱ ج ۱، ص ۴۰۷

۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

دارایی اعلان نموده شرکت می‌کرد و برنده شناخته می‌شد و از آن مبلغی استفاده می‌نمود و چون روزنامه را توزیع کننده، نرسانده، باید خسارت وارده را به مشترک بپردازد.^۱

لازم به ذکر است، که از بین دو قسم عدم النفع ذکر شده در بالا، تنها قسم اول محل بحث و نزاع است و قسم دوم قابل مطالبه نیست؛ زیرا، رابطه سببیت بین فعل و عدم پیدایش منفعت موجود نیست و بر فرض هم که فعل ایجاد می‌شد، احتمال داشت، منفعت حاصل نشود.

در تاریخ قوانین موضوعه ایران، مواد مختلفی به خسارت عدم النفع پرداخته است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مقرر می‌دارد: «... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است.» در این ماده صراحتاً «عدم النفع» ناشی از اجرای تعهدات را ضرر دانسته است.

۲- ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۵، ضرر و زیان قابل مطالبه را به شرح زیر می‌داند:

الف - ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم، حاصل است. ب - ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی. ج - منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود.

۳- ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ ضرر و زیان قابل مطالبه را به شرح زیر احصاء می‌کند: الف - ضرر و زیان های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است. ب - منافی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم می‌شود.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۱۵

۴ - تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۲، خسارت ناشی از عدم النفع را قابل مطالبه نمی‌داند. آنچه در خصوص تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی قابل تأمل است، این مطلب می‌باشد که آیا این ماده ناسخ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ است؟ یا این که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ناظر به امور مدنی است و در امور کیفری ماده ۹ قانون آیین دادرسی لازم الاتباع است. در مدت کمتر از ۶ ماه مشخص نیست که چه اتفاقی کاهش داده است که عدم النفع مغایر شرع شد و در ۶ ماه قبل مغایر شرع نبود. یا فقهای محترم شورای نگهبان ۶ ماه قبل از توجه به ماده ۹ آیین دادرسی کیفری غافل بودند و در تبصره ۲ ماده ۵۱۵ آیین دادرسی مدنی مورد توجه قرار گرفت؛ ولی آنچه طبق قواعد مسلم فقهی و بنای عقلا و قاعده اصولی (الجمع مهما امکن اولی من الطرح) به نظر می‌رسد این است که منظور قانونگذار از تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نسخ ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری نبوده بلکه هدف غیرقابل وصول بودن منفعت محتمل است نه محقق. بنابراین جا دارد مجلس شورای اسلامی نسبت به این مصوبه خود تفسیر مناسبی ارائه دهد. نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در مورد عدم النفع تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. عدم النفع به معنی آن است که افراد یا وسائل به صورت دائمی در عالیت کسی و در آمد نباشد مثلاً افراد بیکار هر چند جویای کار باشند ولی اگر به جهاتی توسط شخص یا اشخاصی مدتی از کار باز ماند، اینگونه افراد نمی‌توانند از مسبب بیکاری خود مطالبه خسارت نمایند. زیرا بدون مسبب نیز، آنها در حال کار و کسب درآمد نبوده‌اند. در حالی که در مورد افراد شاغل که به سبب اعمال شخص یا اشخاصی، مدتی بیکار شوند حق مطالبه خسارت در مدت بیکاری را دارند. همچنین است در مورد اشیاء به این ترتیب که چنانچه مالک اشیاء مذکور به صورت مدام از این اشیاء استفاده نکرده و درآمدی نداشته،

۱۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

نمی‌تواند مطالبه خسارت مدتی را بنماید که شخص یا اشخاص مانع استفاده مالک از این اشیاء شده است. اما اگر اشیاء مورد بحث، مداوم مورد استفاده بهره‌بردار مالک بوده و عمل اشخاص مانع این شود که مالک به مدتی نتواند از این اموال بهره‌برداری نماید در این صورت، شخص مذکور در واقع مانع استفاده از منافع ممکن الحصول بوده و از این جهت مالک اموال می‌تواند مطالبه خسارت زمان عدم امکان استفاده از اشیاء مورد بحث را از شخص بنماید.^۱

۳-۲-۲- در حقوق انگلیس

در حقوق کامن لا، خسارت عدم النفع جزء خسارات مورد انتظار قرار می‌گیرد و قابل مطالبه است. دعاوی مختلف در مورد خسارات مورد انتظار نشان می‌دهد، نفع مذکور در صورتی قابل مطالبه است که استثنائی و خاص نباشد بلکه براساس روال معمول در رویه متعارف قابل تحصیل تلقی می‌شده است.^۲ در حقوق انگلستان نیز عدم النفع قابل مطالبه است و در روابط قراردادی ضرری است که به متعهدله در اثر نقض قرار داد وارد می‌شود و منظور از آن محروم ماندن از منفعتی است که در صورت انجام تعهد، متعهد از آن برخوردار می‌شد.^۳ مثلاً اگر متعهد ماشین آلات خریداری شده را به موقع تحویل ندهد یا اینکه در مسئولیت‌های غیرقراردادی خسارتی به ماشین آلات شخص وارد شود و آن را از کار بیندازد در نتیجه متعهدله یا زیان دیده از منافع ناشی از تولیدات خود که بر حسب جریان عادی امور حاصل می‌شد محروم بماند در صورتی که برای طرفین قابل پیش‌بینی بوده است، قابل مطالبه است. به موجب مادتين ۱۶۹ و ۱۷۰ قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۹۵۲ بهره‌های متعلقه به وام مشمول مالیات بر درآمد است و این امر دلالت بر ماهیت بهره به عنوان عدم

۱. نظریه شماره ۷/۸۰۴۷ - ۱۳۸۲/۹/۳۰ اداره کل حقوق و تدوین قوانین قوه قضائیه

2. John Adams, Understanding Contract law, Fontana, 1987, p.146

۳. جعفری، جمیله و احمد باقری، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، دو فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳، ص ۳۱.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۱۷

النفع می‌باشد. در حقوق انگلستان خسارت تاخیر تادیه وجه نقد در قالب بهره پرداخت می‌شود و بهره برای جبران خسارت ناشی از تاخیر تادیه است. به عبارت دیگر قرار دادن زیان‌دیده در وضعیتی است که اگر قرارداد به موقع اجرا می‌شد زیان‌دیده در آن وضعیت قرار می‌گرفت. بنابراین بهره مبتنی بر فرض قانونی حداقل خسارت است. در نتیجه اثبات خلاف آن (کمتر از حداقل خسارت) ممنوع می‌باشد، ولی اگر خسارت وارده بیشتر از حداقل فرض قانونی (میزان بهره) باشد در قالب خسارت خاص باید اثبات شود. همین که دادگاه‌ها با توجه به اختیارات اعطائی حتی در صورت عدم وجود قرارداد می‌توانند به پرداخت بهره به نرخی که عادلانه باشد و برای تمام یا بخشی از دین و برای تمام مدت تاخیر یا بخشی از آن حکم صادر کنند، این امر خود دلالت بر ماهیت جبرائی بهره دارد.

یکی از مبانی نظری جبران عدم النفع، تئوری موقعیت مشابه است. براساس این نظریه، جبران خسارت، طرف زیان‌دیده را باید در همان موقعیتی قرار دهد که اگر قرارداد اجرا می‌شد در آن وضع قرار می‌گرفت.^۱ این نظریه در بحث نقض قرارداد در حقوق کامن‌لا (به طور خاص انگلستان) مطرح می‌شود. به طور کلی در حقوق انگلیس سه نوع جبران برای نقض قرارداد پیش‌بینی می‌شود:

الف) اعاده مال

ب) خسارت اتکایی (ناشی از اتکا به رفتار طرف مقابل)

ج) خسارت مورد انتظار: براساس این نوع جبران، با توجه به ملاک عقلایی و روال معمول امور منافع مورد انتظار برای زیان‌دیده باید جبران شود.^۲

۳-۳- خیار شرط

۳-۳-۱- در حقوق ایران

گروهی از حقوقدانان عقیده دارند چنانچه خسارت تاخیر تادیه به عنوان شرط

1. John Adams, Ibid, p. 145

2. Ibid, 146

۱۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

در ضمن عقد مورد توافق متعهد و متعهدله باشد و متعهد در موعد مقرر نسبت به پرداخت دین خود اقدام نکند طبق تعهد قراردادی مکلف به پرداخت وجهی به عنوان خسارت می‌باشد. این گروه از فقها و حقوقدانان به قاعده فقهی «المومنون عند شروطهم» استناد می‌کنند و پرداخت هرگونه وجه ناشی از توافق طرفین در صورت تخلف از شرط جنبه ربوی ندارد بلکه ضمانت اجرای تخلف از شرط است که طرفین بر روی آن توافق کرده‌اند. تفاوت این نظریه (اشتراط) با نظریه کاهش ارزش پول این است که در نظریه کاهش ارزش پول، ذکر اخذ خسارت در ضمن عقد ضرورتی ندارد و بدون ذکر در متن قرارداد در صورت کاهش فاحش ارزش پول خسارت تاخیر تأدیه قابل مطالبه است در حالیکه در نظریه اشتراط دون درج شرط در قرارداد امکان مطالبه وجهی از بابت تخلف از شرط (پرداخت به موقع دین) میسر نمی‌باشد. شورای محترم نگهبان اولین بار پس از اعلام ربوی بودن خسارت تاخیر تأدیه موضوع ماده ۷۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی سابق معتقد است؛ در صورت وجود قرارداد بین طرفین راجع به پرداخت خسارت تاخیر تأدیه باید طبق قرارداد رفتار می‌شود که ناظر به نظریه اشتراط می‌باشد و در قانون فعلی آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقنن در قسمت اخیر ماده ۵۱۵ که مقرر داشته: در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منقذ شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.^۱ نظریه اشتراط مجدداً مورد قبول مقنن قرار گرفته است. منظور از نظریه اشتراط این نیست که مدیون در صورت تاخیر در پرداخت دین مکلف به پرداخت خسارت تاخیر تأدیه باشد زیرا شرطی که خسارت تاخیر تأدیه را تجویز کند ربا و حرام است بلکه منظور از اشتراط همان وجه التزام است که در صورت عدم پرداخت بموقع دین از سوی مدیون به اعتبار

۱. شریفی، هاشم، بررسی تطبیقی ایفاء تعهدات پولی در حقوق ایران و انگلیس، پیشین، ص ۶۷.

۲. سناری، ابراهیم، مسئولیت ناشی از تعهدات پولی با تأکید بر کاهش ارزش پول از دیدگاه حقوق ایران و اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم سیاسی، ۱۳۹۲، ص ۲۱.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۱۹

تخلف از شرط ضمن العقد به داین پرداخت می‌شود و در واقع این شرط جنبه تضمین اجرای قرارداد را دارد و شرط کیفری است و وجه التزام فوق الاشعار ماهیت خسارتی ندارد و به عنوان خسارت مقطوع نیست. هر چند که مقنن در ماده ۲۳۰ قانون مدنی به وجه التزام ماهیت خسارتی قائل است و این گونه وجه التزام نوعی جریمه نقض قرارداد و التزام مدیون برای ادای دین خود در موعد مقرر محسوب می‌شود.

۳-۳-۲- در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان معادل واژه شرط لفظ Term است؛ که برای آن تعریف جامع و مانع وجود ندارد و تنها به تعریف کلی اکتفا شده است. از مجموع آرا و نظریات می‌توان شرط را چنین تعریف نمود: «اظهارات و تعهدات طرفین در اثنای مذاکرات منتهی به انعقاد قرارداد که بخشی از قرارداد را تشکیل می‌دهد».

مهمترین خصیصه و ویژگی شرط در حقوق انگلستان این است که بخشی از قرارداد باشد. در غیر این صورت عنوان شرط بر آن اطلاق نمی‌شود و تحت عنوان «توصیف» قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در حقوق انگلستان، اگر شرطی نقض شود راه حل قضایی آن اقامه دعوی «نقض قرارداد»^۳ است که با توجه به اهمیت شرط ممکن است فقط جبران خسارات یا اقامه علاوه بر آن فسخ قرارداد نیز اعمال شود؛ ولی اگر توصیفی خلاف واقع باشد ضمانت اجرای آن اقامه دعوی «سوء عرضه یا توصیف خلاف واقع»^۴ می‌باشد.

در حقوق انگلستان شرط در یک تقسیم‌بندی به شروط صریح و ضمنی تقسیم شده‌اند. شرط صریح آن است که در قالب الفاظ بیان می‌شود. ولی شرط ضمنی آن است که صریحاً به وسیله الفاظ بیان نشده است؛ بلکه با تفسیر حقوقی از قرارداد

1. Part of contract.
2. Reprerestation
3. An action for breach of contract.
4. An action for misrepresentation.

۲۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

استنباط می‌گردد؛ به بیان دیگر، شرط ضمنی شرطی است که به طور منطقی و معقول با توجه به قرارداد یا اوضاع و احوال حاکم بر آن، توسط دادگاه، قانون یا عرف برای تکمیل تفسیر قرارداد استنباط می‌شود. بنابراین در باب تمیز شرط صریح از ضمنی یک عامل مدخلیت دارد و آن ذکر یا عدم ذکر شرط است.

در حقوق انگلستان در ماده ۹ قانون (بهره) تاخیر تادیه دیون تجاری مصوب ۱۹۹۸، به طرفین قرارداد که عموماً شرکت‌ها (شرکت تجاری یا مدنی) هستند اختیار داده شده که نرخ بهره را تغییر دهند، به شرطی که نرخ بهره تعیین شده ضمانت اجرای موثر باشد و منظور از ضمانت اجرای موثر این است که نرخ بهره توافقی عادلانه و متعارف باشد به نحوی که زیان‌های وارده در اثر تاخیر تادیه دیون تجاری را جبران کند و بازدارندگی داشته باشد و در نتیجه موجب شود بدهکاران دیون خود را به موقع پرداخت کنند. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت نرخ بهره توافقی نباید کمتر از خسارت وارده که ناشی از کاهش ارزش پول و عدم النفع است باشد. زیرا در این صورت بدهکاران ترجیح می‌دهند به موقع نسبت به ادا دین خود اقدام نکنند و نباید آن چنان زیاد باشد که شرط کیفری تلقی شود و از آنجائیکه شرط کیفری در حقوق انگلستان باطل است ناچار باید خسارت قانونی ملاک عمل قرار می‌گیرد. به طور کلی در حقوق انگلستان اگر منظور از وجه مشروط ارزیابی پیشاپیش خسارت باشد بدان شرط تعیین خسارت گفته می‌شود و اگر منظور طرفین، ارزیابی واقعی پیشاپیش خسارت نباشد بلکه به منظور تحکیم اجرای قرارداد باشد بدان شرط کیفری می‌گویند که نفوذ حقوقی ندارد. برای احراز قصد طرفین قرارداد مبنی بر اینکه وجه مشروط ماهیت خسارتی دارد یا جنبه کیفری باید شرط مندرج در قرارداد را در زمان تعیین شرط و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد تفسیر کرد. البته در صورت عدم احراز قصد طرفین قرارداد قواعدی وجود دارند که دادگاه‌های انگلستان در طول سالیان

۱. یوسفی، احمد، جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی. مجموعه: مقالات عمومی فقه و حقوق اقتصادی، ۱۳۹۵، ص ۶۵.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۲۱

متممادی آنها را در این زمینه بکار بسته‌اند که به خاطر اطاله کلام از بیان آن اجتناب می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

باتوجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته شده در حقوق ایران و انگلستان می‌توان عنوان نمود که خسارت تاخیر تادیه وجه نقد در حقوق ایران در روابط قراردادی قابل مطالبه است. به عبارت دیگر خسارت تاخیر تادیه به دین به معنی اخص تعلق می‌گیرد. نه به خسارت ناشی از ضمان قهری در حالیکه در حقوق انگلستان خسارت تاخیر تادیه که در قالب بهره پرداخت می‌شود به هر دو (دین و خسارت) تعلق می‌گیرد. خسارت تاخیر تادیه وجه نقد نیاز به اثبات ضرر وارده ندارد به عبارت دیگر به صرف نقض قرارداد، ورود خسارت از نظر قانونی مفروض است در حالیکه مطالبه هرگونه خسارت ناشی از تاخیر در ایفای تعهد بجز تعهد پولی (وجه نقد) طبق شرایط عمومی مطالبه خسارت نه تنها باید اثبات شود بلکه رابطه سببیت بین نقض قرارداد و ضرر وارده و مستقیم بودن ضرر احراز شود. در حقوق انگلستان نیز خسارت تاخیر تادیه وجه نقد همچون حقوق ایران در قالب خسارت عام قابل پرداخت است. در حقوق انگلستان دادگاه‌ها به موجب اختیارات قانونی در مواردی می‌توانند حکم به پرداخت بهره از هر زمانی و به هر نرخی که مناسب بدانند صادر کنند و اینکه بهره تمام دین را شامل می‌شود یا بخشی از آن را بستگی به نظر قاضی دادگاه دارد. البته در حقوق ایران نیز دادگاه‌ها حکم به پرداخت خسارت تاخیر تادیه (وجه نقد) صادر می‌کنند با این تفاوت که اختیارات دادگاه در حقوق انگلستان یک امر ماهوی است در حالیکه در حقوق ایران امر شکلی است که دادگاه باید در حکم خود در صورت تاخیر در تادیه دین قید کند.

۲۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

فهرست منابع و ماخذ:

الف) منابع فارسی

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی جلد ۱، ناشر: کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۱.
۲. امینی، علیرضا، موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول. مجله جستارهای اقتصاد ایران دوره ۴، شماره ۸، ۱۳۸۶.
۳. جعفری، جمیله و احمد باقری، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، دو فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۰، ۱۳۹۳.
۴. خوئینی، غفور، تعدیل قضایی قرارداد در اثر کاهش ارزش پول. فصلنامه حقوق خصوصی. دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۲.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پول در اقتصاد اسلامی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت، ۱۳۷۴.
۶. رحیمی بروجردی، علیرضا، بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های جمهوری اسلامی ایران. تهران: سومین سمینار سیاست‌های پولی و مالی، ۱۳۷۲.
۷. ستاری، ابراهیم، مسئولیت ناشی از تعهدات پولی با تأکید بر کاهش ارزش پول از دیدگاه حقوق ایران و اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم سیاسی، ۱۳۹۲.
۸. سرخوش، جواد، ربای قرضی و معاوضی با بررسی نقش کاهش ارزش پول (از دیدگاه فقهی). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق(ع). دانشکده معارف اسلامی، ۱۳۸۹.
۹. شریفی، هاشم، بررسی تطبیقی ایفاء تعهدات پولی در حقوق ایران و انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). دانشکده حقوق، ۱۳۸۹.

خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در حقوق ایران و انگلستان.....۲۳

۱۰. طباطبائی، سید محمدصادق و پگاه سرمدی، بررسی فقهی و حقوقی قابلیت جبران ضرر ناشی از کاهش ارزش پول، دو فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۹۴.

۱۱. عبداللهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.

۱۲. عظیمی، هادی، جبران کاهش قدرت خرید در اثر مرور زمان. تهران انتشارات تکرنگ. چاپ اول، ۱۳۸۸.

۱۳. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸

۱۴. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۲

۱۵. منتظر ظهور، محمود، اقتصاد (خرد و کلان)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، پول و تورم، مجله رهنمون، ش ۶، ۱۳۷۲.

۱۷. موسوی خمینی (امام)، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸ ش.

۱۸. میرجلیلی، حسین، جبران کاهش ارزش پول ؛ نظریه و کاربرد. جستارهای اقتصادی ایران. شماره ۴، ۱۳۸۴

۱۹. میر مغزی، سید حسین، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

۲۰. نظریه شماره ۷/۸۰۴۷ - ۱۳۸۲/۹/۳۰ اداره کل حقوق و تدوین قوانین قوه قضائیه

۲۱. نظری، حسن آقا، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی (امکان نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی و روش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، ۱۳۸۵.

۲۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز ۱۳۹۵

۲۲. نوفرستی، محمد، بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصاد سنجی کلان پویا مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴.

۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود، احکام فقهی کاهش ارزش پول، فقه اهل‌بیت، ش ۲، ۱۳۷۴.

۲۴. یوسفی، احمد علی، پول جدید از نگاه اندیشمندان، فقه اهل‌بیت، ش ۱۶، ۱۳۷۷.

۲۵. یوسفی، احمد، جبران کاهش ارزش پول در دیون و روابط مالی. مجموعه: مقالات عمومی فقه و حقوق اقتصادی، ۱۳۹۵

۲۶. یوسفی، احمد، راههای جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی. مجله اقتصاد اسلامی. سال چهارم. شماره ۳، ۱۳۸۳.

ب) منابع عربی:

۲۷. صدر، سید محمدباقر، الاسلام یقود الحیاه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۸۲.

منابع لاتین:

28. John Adams, Understanding Contrac law, Fontana , 1987.